



## The Status of Turkish among Female Students in Migrant Turkish Families Living in Baharestan City

Kouros Saberi<sup>1</sup>, Katayoun Ranjbar<sup>2</sup>

1. Corresponding Author, Assistant Professor of Linguistics, Department of English Language, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran. E-mail: [saberi50k@yahoo.com](mailto:saberi50k@yahoo.com)
2. Ph.D. Student of Linguistics, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: [katayounranjbar2014@gmail.com](mailto:katayounranjbar2014@gmail.com)

---

---

### Article Info

#### Article type:

Research Article

#### Article history:

**Received:** 13 May 2022

**Received in revised form:**  
28 September 2022

**Accepted:** 02 October 2022

**Available online:** 12 March  
2023

#### Keywords:

migration,  
bilingualism,  
language shift,  
Fishman's domain  
analysis,  
Turkish language,  
Farsi language.

### ABSTRACT

The present study investigates the status of Turkish among female students living in Baharestan in Tehran province whose parents are Turkish speakers and have already migrated to this city. The aim of this study within the framework of Fishman's domain analysis is to investigate the status and role of Turkish language alongside Persian in two domains of family and school among school girls. The data was collected using a questionnaire as well as direct observation in the long term. Statistical analysis was performed using SPSS. Taking the nature of the research questions into account, one-sample t-test as well as Chi-Square goodness of fit test was conducted. The results of the study showed although the schoolgirls are fluent in Turkish language, they prefer to use Farsi in both informal domain of home as well as the formal domain of school. Furthermore, this study indicated that the status of Turkish language among schoolgirls has declined significantly and Turkish language is used in more and more limited domains. The dominant language, Tehrani Persian, has replaced Turkish in most of the domains and it is feared that the second and third generation of Turkish emigrants become monolingual and lose their mother tongue.

---

---

**Cite this article:** Saberi, K., & Ranjbar, K. (2023). The Status of Turkish among Female Students in Migrant Turkish Families Living in Baharestan City. *Research in Western Iranian Languages and Dialects*, 11 (1), 41-60.



© The Author(s).

Publisher: Razi University.

DOI: 10.22126/JLW.2022.7797.1641

---

---



## جایگاه زبان ترکی در میان دختران دانش‌آموز در خانواده‌های ترک‌زبان مهاجر

### ساکن شهرستان بهارستان

کوروش صابری<sup>۱</sup>، کتابون رنجبر<sup>۲</sup>

۱. نویسنده مسئول، استادیار زبان‌شناسی، گروه زبان انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

رایانامه: [saberi50k@yahoo.com](mailto:saberi50k@yahoo.com)

۲. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه:

[katayounranjbar2014@gmail.com](mailto:katayounranjbar2014@gmail.com)

#### چکیده

#### اطلاعات مقاله

در پژوهش پیش رو جایگاه زبان ترکی در میان گروهی از دانش‌آموزان دبیرستانی دختر ساکن شهرستان بهارستان واقع در استان تهران بررسی می‌شود؛ والدین این دانش‌آموزان ترک‌زبان بوده و پیش‌تر به این شهرستان مهاجرت نموده‌اند. هدف از این پژوهش، در چارچوب تحلیل حوزه‌ای فیشرمن (۱۹۶۴)، بررسی نقش و جایگاه زبان ترکی در کنار زبان فارسی در دو حوزه خانواده و مدرسه در میان این گروه از دانش‌آموزان است. داده‌های پژوهش با کمک پرسش‌نامه و مشاهده مستقیم در یک بازه زمانی طولانی گردآوری شد. این پژوهش از نوع کمی است و تحلیل داده‌ها به وسیله نرم‌افزار (SPSS) انجام گرفت و باتوجه به ماهیت پرسش‌های پژوهش از آزمون آماری t تک‌گروهی و شی دو نیکویی برازش استفاده شد. نتایج نشان داد که این گروه از دختران با وجود تسلط به زبان ترکی، تمایل دارند هم در حوزه غیررسمی خانواده و هم حوزه رسمی مدرسه با سایر افراد ترک‌زبان بیشتر به زبان فارسی گفت‌وگو نمایند. همچنین، این پژوهش آشکار نمود که زبان ترکی در میان دانش‌آموزان خانواده‌های مهاجر ترک‌زبان جایگاه و موقعیت خود را به‌طور چشمگیری از دست داده است و زبان ترکی در حوزه‌های محدودتری به کار می‌رود. زبان غالب، یعنی گونه فارسی تهرانی، در بیشتر موقعیت‌ها و حوزه‌ها جایگزین زبان ترکی شده است و بیم آن می‌رود که نسل دوم و سوم این مهاجران، تک‌زبان شده و زبان بومی و مادری‌شان را برای همیشه فراموش کنند.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۱

تاریخ بازنگری: ۶ مهر ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۰ مهر ۱۴۰۱

دسترسی آنلاین: ۲۱ اسفند ۱۴۰۱

واژه‌های کلیدی:

مهاجرت،

دوزبانگی،

جایگزینی زبان،

تحلیل حوزه‌ای فیشرمن،

زبان ترکی،

زبان فارسی.

استاد: صابری، کوروش؛ رنجبر، کتابون (۱۴۰۲). جایگاه زبان ترکی در میان دختران دانش‌آموز در خانواده‌های ترک‌زبان مهاجر ساکن

شهرستان بهارستان. *مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، ۱۱ (۱)، ۴۱-۶۰.



© نویسنده‌گان.

ناشر: دانشگاه رازی

DOI: 10.22126/JLW.2022.7797.1641

## ۱- مقدمه

با انقراض سلسله قاجار و تأسیس دولت نوین در ایران، زمینه برای توسعه و گسترش شهرهای بزرگ فراهم آمد. جاذبه‌های گوناگون این مراکز بزرگ شهری، مهاجران زیادی را به سوی خود جلب نمود. تهران، به‌عنوان یک کلان‌شهر، از گذشته تاکنون مقصد اصلی بسیاری از این مهاجران بوده است. ایرانیان بسیاری با زبان‌ها و خرده‌فرهنگ‌های گوناگون در این شهر و پیرامون آن ساکن شده‌اند؛ بنابراین، زمینه برای تماس زبانی<sup>۱</sup> در سطح گسترده‌ای فراهم شده است. از نتایج تماس زبانی، بنابه مدرسی (۱۳۶۸) و عبدالکریمی (۱۳۹۶)، می‌توان به وام‌گیری زبانی<sup>۲</sup>، دوزبانگی<sup>۳</sup>، تداخل زبانی<sup>۴</sup>، زبان‌های آمیخته<sup>۵</sup> و تغییر زبان<sup>۶</sup> اشاره کرد. براساس الگویی کلی، نسل اول مهاجران معمولاً دوزبانه می‌شوند که این وضعیت می‌تواند پایدار بماند یا اینکه در نسل‌های دوم و سوم با جایگزینی یا تغییر زبان به سمت یک‌زبانگی پیش برود (مدرسی، ۱۳۹۳). یکی از گروه‌های قومی - زبانی شناخته‌شده که به‌طور گسترده به تهران و حومه آن مهاجرت نموده‌اند، ایرانیان ترک‌زبان هستند. بهارستان یکی از شهرستان‌های استان تهران است که مقصد شمار درخور توجهی از این مهاجران ترک‌زبان بوده است. بنابراین، مسئله اصلی این پژوهش بررسی موقعیت و جایگاه اجتماعی<sup>۷</sup> زبان ترکی در میان نسل دوم مهاجران ساکن در شهرستان بهارستان است.

یکی از پژوهشگران که در طول سال تحصیلی در منطقه بهارستان مشغول به تدریس بوده است، در ارتباط نزدیک و مستقیم با دانش‌آموزان دختر دبیرستانی متوجه شد که این دانش‌آموزان برای گفت‌وگو به زبان ترکی تمایل چندانی از خود نشان نمی‌دادند؛ این درحالی بود که تعداد قابل توجهی از آن‌ها، پدر و مادر ترک‌زبان داشتند. یعنی دست‌کم ۵۰٪ جمعیت هر کلاس دارای والدین ترک‌زبان بودند. بر بنیاد این مشاهده‌ها، برای پژوهشگران دو پرسش اساسی مطرح شد: نخست اینکه آیا این گروه از دانش‌آموزان به‌اندازه کافی بر زبان ترکی تسلط دارند و دوم اینکه آیا در تعامل با سایر ترک‌زبانان، درحوزه‌های<sup>۸</sup> رسمی و غیررسمی، بیشتر به کاربرد زبان ترکی گرایش دارند یا

1. language contact
2. linguistic borrowing
3. bilingualism
4. linguistic interference
5. mixed languages
6. language shift/shift of language
7. social status
8. domains

فارسی. در این پژوهش، دو حوزه خانواده و مدرسه نیز از این جهت انتخاب شدند که یکی حوزه غیررسمی و دیگری حوزه رسمی است. همچنین، از بین دانش‌آموزان دختری که پدر و مادر آنها به زبان ترکی مسلط بودند، ۵۰ نفر به‌طور تصادفی انتخاب شدند. شایان ذکر است که این دانش‌آموزان با میانگین سنی ۱۶ سال در دو دبیرستان مختلف در شهرستان بهارستان مشغول به تحصیل بودند.

## ۲- شهرستان بهارستان در یک نگاه<sup>۱</sup>

شهرستان بهارستان با جمعیتی در حدود ۶۰۰ هزار نفر در شمار پرتراکم‌ترین شهرستان‌های کشور است. این شهرستان در جنوب غربی استان تهران با وسعتی کمتر از ۱۰۰ کیلومتر، از شمال به شهرستان شهریار، از غرب و جنوب غربی به شهرستان رباط کریم و از شرق به شهرستان اسلام‌شهر محدود می‌شود. این شهرستان، با توجه به اجتماع مهاجرین از اقصی نقاط کشور، آمیزه‌ای از کلیه آداب و رسوم خاص اجتماعی سراسر کشور را در خود جای داده است.

## ۳- مبانی نظری

در این قسمت به‌طور خلاصه به مفاهیم نظری و کلیدی مانند مهاجرت، دوزبانگی، جایگزینی زبان و تحلیل حوزه‌ای پرداخته می‌شود.

### ۳-۱ مهاجرت

در درازنای تاریخ، کوچ یا مهاجرت<sup>۲</sup> از مکانی به مکان دیگر از ویژگی‌های بارز انسان‌ها و جوامع انسانی بوده است. جامعه‌شناسان، برای مهاجرت و انواع آن، تعریف‌ها و دسته‌بندی‌های گوناگونی ارائه کرده‌اند (براون<sup>۳</sup>، ۱۹۹۲؛ مانگالام<sup>۴</sup>، ۱۹۶۸). مهاجرت به دلیل‌های گوناگونی انجام می‌شود که از جمله آن‌ها می‌توان به گریز از بیکاری، فقر، بیماری، جنگ، رخداد‌های طبیعی، نابسامانی‌های اجتماعی و سیاسی اشاره کرد. بنابه نظر مدرسی (۱۳۹۳)، به‌طور طبیعی، جهت مهاجرت‌ها به‌سوی مکان‌های برخوردار از رفاه، آرامش و آسایش بیشتر است. مردم ایران نیز در طول تاریخ خود متناسب با شرایط زمانه دست به مهاجرت‌های درون‌سرزمینی یا داخلی<sup>۵</sup> و همچنین مهاجرت‌های

۱. برگرفته از پورتال سازمانی و اطلاع‌رسانی شهرستان بهارستان.

2. migration

3. B. Browne

4. J. Mangalam

5. internal migration or domestic migration

برون مرزی یا خارجی<sup>۱</sup> زده‌اند. مهاجرت‌های داخلی در سرزمین ایران عمدتاً به دلیل دستیابی به امکانات بیشتر رفاهی، اقتصادی و آموزشی از روستاها و شهرستان‌های محروم و دورافتاده به سمت شهرهای بزرگ‌تر بوده است. در دوره معاصر، مهاجرت گسترده ایرانیان ترک‌زبان از روستاها و شهرهای ترک‌نشین به تهران و حاشیه‌های این کلان‌شهر از جمله نمونه‌های شناخته شده است. مهاجرت به هر دلیل و انگیزه‌ای که باشد، پیامدهای گوناگون فرهنگی، اجتماعی، روانی و زبانی را برای فرد یا جوامع مهاجر دربردارد و در این پژوهش، ما صرفاً به پیامدهای زبانی آن درمیان گروه کوچکی از مهاجران ترک‌زبان ساکن در شهرستان بهارستان پرداخته‌ایم.

### ۳-۲ دوزبانگی

دوزبانگی را می‌توان در دو سطح فردی و اجتماعی بررسی کرد (مدرسی، ۱۳۶۸). زبان‌شناسانی که با پدیده دوزبانگی سروکار دارند، تعریف‌های گوناگونی برای آن بیان کرده‌اند. بیشتر آن‌ها دوزبانگی را پدیده‌ای نسبی به‌شمار می‌آورند. بنابر تعدادی از تعریف‌های ارائه‌شده، می‌توان پیوستار یا طیفی را در نظر گرفت که در یک سوی آن افراد دارای تسلط بومی مانند<sup>۲</sup> بر هر دو زبان قرار دارند (بلومفیلد<sup>۳</sup>، ۱۹۳۳ به نقل از مدرسی، ۱۳۶۸) و در دیگر سوی، افرادی که به دو گونه محلی یا اجتماعی از یک زبان واحد صحبت می‌کنند (تیلور<sup>۴</sup>، ۱۹۷۶ به نقل از مدرسی، ۱۳۶۸).

در تعریفی پذیرفتنی‌تر، واین‌رایش<sup>۵</sup> (۱۹۵۳ به نقل از مدرسی، ۱۳۶۸) دوزبانانه را فردی می‌داند که به دو زبان در حدی تسلط دارد که می‌تواند برحسب نیاز، هر یک از دو زبان را به‌تناسب و به‌جای دیگری درعمل به‌کار گیرد. دوزبانگی از پیامدهای مستقیم تماس زبانی است و دوزبانانه‌ها بیشتر به دو گروه غالب/چیره<sup>۶</sup> و هم‌تراز<sup>۷</sup> دسته‌بندی می‌شوند. همچنین، بنابه باور مدرسی (۱۳۹۳: ۵۸)، «اغلب مهاجران دوزبانانه غالب هستند و درمیان آنان دوزبانانه‌های هم‌تراز به‌طور نسبی کمترند». یعنی در نسل اول، زبان اول مهاجران و در نسل دوم زبان دوم یا زبان جامعه مهاجرپذیر غلبه دارد. دو اصطلاح سودمند دیگر درباره دوزبانگی یا چندزبانگی، اصطلاحات دوزبانگی/چندزبانگی پایدار

1. external migration
2. native-like
3. L. Bloomfield
4. D. Taylor
5. U. Weinreich
6. dominant bilinguals
7. balanced bilinguals

و ناپایدار<sup>۱</sup> است (وارداف، ۲۰۰۶). دوزبانگی/چندزبانگی پایدار در جوامعی چون سوئیس، کانادا و هائیتی مشاهده می‌شود که در آن‌ها دو یا چند زبان در کنار یکدیگر به حیات خود ادامه می‌دهند. دوزبانگی/چندزبانگی ناپایدار ویژگی کلان‌شهرهای مهاجرپذیر همانند شهر نیویورک است که در آن‌ها مهاجران ابتدا دوزبانه می‌شوند؛ سپس در روندی طولانی زبان بومی و مادری خود را به‌نفع زبان جامعه میزبان کنار گذاشته و دوباره یک‌زبانه می‌شوند. در کلان‌شهر تهران نیز مانند سایر شهرهای بزرگ مهاجرپذیر دنیا، دوزبانگی بیشتر از نوع ناپایدار بوده است.

### ۳-۳ جایگزینی یا وانهادن زبان<sup>۲</sup>

براساس تعریف و این‌رایش (۱۹۵۳) و پاولز<sup>۳</sup> (۲۰۱۶)، وانهادن زبان<sup>۴</sup> عبارت از جایگزینی تدریجی یک زبان با زبانی دیگر در تمامی حوزه‌های کاربردی است. هنگامی که مهاجران به مناطق، شهرها و کشورهای جدیدی وارد می‌شوند که زبانی متفاوت از زبان مادری آن‌ها دارد، زبان بومی خود را به‌صورت تدریجی یا ناگهانی کنار گذاشته و زبان جامعه یا کشور میزبان را که معمولاً از اعتبار و منزلت بالاتری برخوردار است، جایگزین آن می‌کنند. این جایگزینی یا وانهادن زبان می‌تواند به‌صورت فردی یا گروهی صورت پذیرد و عموماً در میان نسل دوم یا سوم مهاجرانی دیده می‌شود که ارتباطشان با زبان مادری کم‌رنگ یا قطع شده و برای یادگیری و به‌کارگیری زبان جامعه یا کشور میزبان تحت فشار قرار دارند (کریستال<sup>۵</sup>؛ ۲۰۰۰).

مهاجرت، صنعتی‌شدن و تغییرات اقتصادی، زبان آموزش و فشارهای دولتی و حکومتی، شهرنشینی و تمدن، تفاوت فاحش سطح اعتبار دو زبان و جمعیت کم گویشوران زبان از جمله مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در روند جایگزینی زبانی هستند (فاسولد<sup>۶</sup>، ۱۹۸۴). در دوره معاصر و به‌دنبال جابه‌جایی‌های جمعیتی در ایران و سکونت ایرانیان غیرفارسی‌زبان در شهر تهران و حومه آن، مهاجران دو یا چندزبانه از جمله آذری‌ها، مازندرانی‌ها، گیلکی‌ها، کردها در این شهر ساکن شده و در روندی طولانی از زبان‌های بومی<sup>۷</sup> خود به‌نفع فارسی دست کشیده‌اند و در نسل‌های دوم و

1. stable & unsyable bilingualism

2. language shift (also known as language transfer or language replacement)

3. A. Pauwels

۴. «وانهادن زبان» دربرابر اصطلاح language shift و اولین‌بار توسط غفارثمر (۱۳۹۸) به‌کار رفته است.

5. D.Crystal

6. R. Fasold

7. vernacular languages

سوم زبان فارسی جایگزین زبان‌های مادری شده و آن‌ها غالباً به سمت یک‌زبانگی<sup>۱</sup> پیش رفته‌اند.

### ۳-۴ تحلیل حوزه‌ای<sup>۲</sup>

مفهوم حوزه را نخستین بار فیشرمن<sup>۳</sup> (۱۹۶۴) مطرح کرد. از نظر وی، بافت‌های بنیادین مشخصی وجود دارد که آن‌ها را حوزه می‌نامند. مجموعه عواملی همچون شرکت‌کنندگان، موضوع و مکان، حوزه‌ها را شکل می‌دهند. بعضی از حوزه‌ها رسمی‌اند (مانند حوزه‌ دادوستد و آموزش) و برخی غیررسمی (مانند حوزه خانواده) (فاسولد، ۱۹۸۴). افراد دوزبانه یا چندزبانه به‌طور طبیعی در هر حوزه‌ای، زبان‌های متفاوت یا سبک متفاوتی از یک زبان را به کار می‌برند. برای نمونه، بسیاری از مهاجران در محیط خانه و هنگام گفت‌وگو با اعضای خانواده در مورد موضوع‌های خانوادگی از زبان اول (زبان مادری) خود استفاده می‌کنند و در محیط‌های رسمی تر زبان دوم (زبان غالب) را به کار می‌گیرند.

### ۴- پیشینه مطالعات

فیشرمن، کوپر و نیومن<sup>۴</sup> (۱۹۷۱) در پژوهشی در شهر نیویورک و در میان جامعه پورتوریکویی تباران آن شهر که دوزبانه اسپانیایی-انگلیسی محسوب می‌شوند، پنج حوزه زبانی را تعیین نمودند که در آن‌ها به‌طور پیوسته انگلیسی یا اسپانیایی به کار می‌رفت. آن‌ها داده‌های خود را از طریق مشاهده، مصاحبه و مکالمه‌های ساختگی گردآوری کردند. نتایج پژوهش نشان داد که زبان اسپانیایی بیشتر در حوزه خانواده کاربرد داشت و پس از آن به ترتیب در حوزه‌های دوستی، مذهب، کار و تحصیلات.

گال<sup>۵</sup> (۱۹۷۸) در اوبروات<sup>۶</sup>، شهری در جنوب شرق اتریش، به بررسی دوزبانه‌های مجاری-آلمانی پرداخت. زبان آلمانی، زبان رسمی کشور اتریش و زبان زبرین<sup>۷</sup> بود و زبان مجاری که با ارزش‌های سنتی و روستایی همراه بود، زبان زیرین<sup>۸</sup> محسوب می‌شد. نتایج پژوهش نشان داد که به دلیل اعتبار اجتماعی بالای زبان آلمانی، جوانان و به‌ویژه زنان جوان به کاربرد زبان آلمانی تمایل

1. monolingualism
2. domain analysis
3. J. Fishman
4. J.A. Fishman, R.L. Cooper & R.M. Newman
5. S. Gal
6. Oberwart
7. upper language
8. lower language

بیشتری دارند؛ بنابراین، این جامعه زبانی دوزبانه (مجاری-آلمانی) آرام‌آرام به سمت یک جامعه تک‌زبانۀ آلمانی در حرکت و گذار است.

مدرسی (۲۰۰۱) جایگاه زبان فارسی را در میان جامعه ایرانیان مهاجر در آمریکا بررسی نمود. او بر این باور است که نسل اوّل مهاجران ایرانی در آمریکا تلاش می‌کنند میراث فرهنگی و زبانی خود را حفظ کنند. آن‌ها می‌کوشند فرهنگ و زبان ایرانی را از طریق مراسم و مناسبت‌های ملی ایرانی، رادیو و تلویزیون، مجله و کتاب به فرزندانشان معرفی نمایند. اما به دلیل تأثیر قدرتمند زبان و فرهنگ آمریکایی، نسل دوم مهاجران ایرانی، برای جلوگیری از جایگزینی یا وانهادن زبان به انگیزه‌های قوی‌تری نیاز دارند.

در پژوهشی جدیدتر در میان ایرانیان مقیم ساحل شرقی آمریکا، معینی میبدی<sup>۱</sup> (۲۰۱۴) به نتایج متفاوتی دست یافت. داده‌های این پژوهش از اداره آمار ایالات متحده آمریکا و از طریق مصاحبه با ۴۸ آزمودنی به دست آمد. اگرچه مطالعات پیشین عمدتاً بر فرسایش زبان<sup>۲</sup> مادری در میان نسل دومی‌ها و مرگ زبانی در میان نسل سوم ایرانیان مقیم آمریکا اشاره دارند، این پژوهش نتایج متفاوتی را دست‌کم در مورد کودکان نشان داد. نتایج پژوهش بیانگر نگرش زبانی مثبت<sup>۳</sup> والدین و کودکان نسبت به نگهداری زبان فارسی به عنوان یک میراث است که به واسطه حفظ ارتباطات بین نسلی، شرکت در رویدادهای هفتگی مذهبی و فرهنگی، آموزش زبان فارسی و نظارت بر زبان مورد استفاده کودکان در محیط خانواده تحقق می‌یابد.

دیوید، ناجی و کاور<sup>۴</sup> (۲۰۰۳) در پژوهشی در شهر پتالینگ جایای مالزی، زبان غالب را با تمرکز بر مخاطبان گوناگون و در حوزه‌های خانواده و مذهب در جامعه سیک‌های پنجابی مطالعه کردند. داده‌های این پژوهش از پرسش‌نامه‌ای با ۸۵ پرسش و ۳۱۲ آزمودنی گردآوری شد. آن‌ها در نهایت به این نتیجه رسیدند که در جامعه سیک نوعی جایگزینی زبانی از زبان قومی‌شان به زبان انگلیسی یا آمیزه‌ای از سه زبان پنجابی، مالی و انگلیسی در حوزه خانواده و بیرون از خانه رخ داده است. حتی در حوزه مذهب نیز زبان قومی حفظ نشده است.

ایگبونوسی و پیتر<sup>۵</sup> (۲۰۰۴) در نیجریه نشان دادند که تأثیر زبان‌های هوسا<sup>۶</sup>، به عنوان زبان

1. M. Moeini Meybodi
2. language erosion
3. positive language attitude
4. M. David, I. Naji & S. Kaur
5. H. Igboanusi & L. Peter
6. Hausa



میانجی<sup>۱</sup>، و انگلیسی، به‌عنوان زبان زیرین، ارزش واقعی زبان‌های اقلیت حتی در حوزه‌های غیررسمی مانند حوزه دوستانه را کاهش داده و این برخلاف انتظاری است که زبان‌های مادری در حوزه‌های غیررسمی کاربرد افزون‌تری دارند. زبان هوسا در شمال نیجریه و نیز زبان انگلیسی، بیش از دویست زبان بومی را در خطر نابودی قرار داده‌اند.

در پژوهشی دیگر، نامه‌ای<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) به‌گزینش زبانی ایرانیان ساکن سوئد در حوزه‌های خانواده و خارج از خانواده پرداخت. داده‌های پژوهش از طریق پرسش‌نامه و مصاحبه‌های ساختاریافته در میان ۱۸۸ آزمودنی گردآوری شد. نتایج این پژوهش نشان داد که زبان فارسی ابزار اصلی ارتباط بین والدین و فرزندان در محیط خانواده است. البته در بین نسل دومی‌ها از زبان سوئدی هم تا اندازه‌ای استفاده می‌شود. خارج از حوزه خانواده، زبان غالب زبان سوئدی است. مادران بیش از پدران زبان سوئدی را به‌کار می‌برند که می‌تواند به‌دلیل درگیر بودن مادران در روند درس و مدرسه کودکان نشان باشد. همچنین، گفت‌وگو بین مادران و کودکان درباره امور مربوط به مدرسه به زبان سوئدی طبیعی‌تر و مؤثرتر است.

در ایران، ذوالفقاری (۱۳۷۶) پژوهشی روی گویش بختیاری شهر مسجدسلیمان با هدف بررسی میزان پویایی این گویش و پیش‌بینی وضعیت آینده آن انجام داد. تحلیل آماری داده‌ها نشان داد که برخلاف برخی نگرانی‌ها درباره زوال زبان‌ها و گویش‌های محلی ایران، گویش بختیاری در حوزه‌های مختلف از کاربرد و پویایی نسبتاً بالایی برخوردار است. به‌دیگرسخن، تقریباً تمام مردان و زنان در گروه‌های سنی، شغلی و تحصیلی مختلف و در حوزه‌های گوناگون خانواده، کوچه و بازار، ارتباطات خانوادگی و غیره گویش بختیاری را بیشتر از زبان فارسی به‌کار می‌گیرند.

فریدونی (۱۳۷۷) در پژوهشی تلاش نموده، نقش اجتماعی زبان‌های مختلف در شهرستان ارومیه را مشخص نماید. زبان‌های ترکی، کردی و ارمنی در این شهرستان در کنار فارسی رایج هستند. آزمودنی‌ها براساس گروه سنی، سطح تحصیلات و جنسیت دسته‌بندی شدند. انتخاب گونه زبانی در هفت حوزه خانواده، مذهب، دوستی، همسایگی، دادوستد، آموزشی، اداره و مراکز کار به کمک پرسش‌نامه بررسی گردید. درنهایت، آشکار شد که با حرکت از حوزه غیررسمی به حوزه رسمی کاربرد زبان فارسی پررنگ‌تر می‌شود. سن و جنسیت در انتخاب زبان بی‌تأثیر بود. اما سطح

1. lingua franca  
2. Sh. Namei

سواد عامل مؤثری در انتخاب گونه زبان به حساب می‌آید.

ایمانی (۱۳۸۳) با بررسی وضعیت کاربردی دو زبان ترکی و فارسی در میان دوزبانه‌های ساکن شهر قم با کمک تحلیل حوزه‌ای فیشمن، به این نتیجه دست یافت که ترکی بیشترین کاربرد را در حوزه خانواده دارد. همچنین، با بالاتر رفتن طبقه اجتماعی افراد دوزبانه میزان کاربرد زبان ترکی کاهش می‌یابد.

رنجبر (۱۳۸۴) جایگاه و نقش دو زبان فارسی و کردی را در میان دانش‌آموزان ساکن استان کرمانشاه در حوزه‌های خانواده و مدرسه بررسی کرد. پرسش‌نامه‌ها در شهر کرمانشاه و روستای نزدیک آن (کوزران)، شهرستان پاوه و روستای پیرامون آن (خانقاه) توزیع شد. نتایج پژوهش نشان داد که در شهر کرمانشاه، زبان فارسی غالب است؛ در حالی که در پاوه، کوزران و خانقاه زبان کردی زبان غالب است. زبان فارسی در کرمانشاه به‌ویژه در میان دختران از موقعیت بالاتری برخوردار است.

داوری اردکانی و موسی‌کاظمی (۱۳۸۷) در مقاله «گوش نایینی: زوال یا بقا؟» مواردی را بررسی کردند که این گوش را در معرض خطر نابودی قرار داده‌اند. جامعه آماری این پژوهش را افراد ساکن شهر نایین تشکیل می‌داد. حجم نمونه در این پژوهش شامل ۴۰۰ نفر در پنج گروه سنی مختلف، سه گروه تحصیلی و دو جنس زن و مرد بود و پرسش‌نامه‌ای با هدف ارزیابی دو احتمال گذار زبان یا حفظ زبان تنظیم شد. این مطالعه نشان داد که تقریباً تمامی زنان و مردان مشمول این پژوهش در مقاطع سنی، تحصیلی و شغلی مختلف، در حوزه‌های خانه، کوچه و بازار، ارتباط‌های خویشاوندی و ...، زبان فارسی معیار را بیشتر از گوش نایینی به کار می‌برند؛ به عبارت دیگر، گوش نایینی پویایی اندکی دارد؛ در نتیجه، از جمله گوش‌های در معرض خطر و نابودی است.

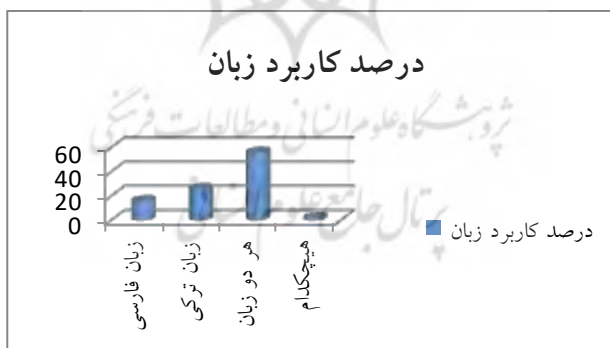
## ۵- روش پژوهش

این پژوهش از نوع کمی است و داده‌های آن با کمک پرسش‌نامه و مشاهده مستقیم گردآوری شد. پرسش‌نامه‌ای دربرگیرنده ۳۱ پرسش بسته و باز در چارچوب تحلیل حوزه‌ای فیشمن در دو حوزه اصلی خانواده و آموزش (مدرسه) تهیه و در میان آزمودنی‌ها پخش شد. جمعیت نمونه در این پژوهش شامل ۵۰ دانش‌آموز دختر دبیرستانی ساکن شهرستان بهارستان واقع در استان تهران بود. پدر و مادر این دانش‌آموزان پیش‌تر از شهرهای مختلف ترک‌زبان ایران به این شهرستان مهاجرت کرده‌اند؛ در نتیجه، والدین آن‌ها به زبان ترکی تسلط داشتند. برای اطمینان بیشتر، در پرسش‌نامه،

درباره زبان مادری والدین پرسشی گنجانده شد که همه آزمودنی‌ها زبان ترکی را انتخاب کرده بودند. این دانش‌آموزان با میانگین سنی ۱۶ سال در دو دبیرستان مختلف در شهرستان بهارستان مشغول به تحصیل بودند. بیشتر آزمودنی‌ها از آغاز تولد یا بیشتر از نه سال در شهرستان بهارستان سکونت داشته‌اند. تحلیل داده‌ها به وسیله نرم‌افزار (SPSS)<sup>۱</sup> انجام گرفت و با توجه به ماهیت پرسش‌های پژوهش از آزمون آماری t تک‌گروهی<sup>۲</sup> و Chi دو نیکویی برازش<sup>۳</sup> استفاده شد.

### ۶- یافته‌ها و تحلیل داده‌ها

بررسی اطلاعات ثبت‌شده در پرسش‌نامه‌ها نشان داد که تحصیلات ۸۶٪ والدین دانش‌آموزان دختر دبیرستانی در حد دیپلم یا پایین‌تر است. در این میان، ۸٪ والدین نیز بی‌سواد هستند. ۱۶٪ دانش‌آموزان دو زبان فارسی و ترکی را هم‌زمان یاد گرفته‌اند. ۴٪ اولین زبانی را که یاد گرفته‌اند ترکی بوده است و ۸۰٪ دیگر زبان فارسی را به عنوان زبان اول یاد گرفته‌اند. ۷۰٪ دانش‌آموزان زبان فارسی را از پدر و مادر خود آموخته‌اند و ۲۰٪ دانش‌آموزان نیز زبان فارسی را از سایر اعضای خانواده خود آموخته‌اند. تنها یک نفر از دانش‌آموزان فارسی را در محیط مدرسه آموخته که او نیز تا پیش از ۸ سالگی در شهرستان خلخال سکونت داشته است. نمودار (۱) نمایانگر درصد کاربرد زبانی است که پدر و مادرها در گفت‌وگو با یکدیگر بیشتر به کار می‌برند.



نمودار (۱). درصد کاربرد زبان ترکی و فارسی در گفت‌وگوی بین والدین

همان گونه که در نمودار (۱) دیده می‌شود ۵۶٪ والدین با یکدیگر گاهی به زبان فارسی و گاهی به زبان ترکی صحبت می‌کنند. در میان ۲۶٪ والدینی که با یکدیگر فقط به زبان ترکی صحبت

1. Statistical Package for Social Sciences
2. one-sample t-test
3. Chi-Square goodness of fit test

می‌کردند در سه خانواده، پدر یا مادر یا هر دو بی‌سواد بودند؛ اما دیگران تحصیلاتی در سطوح گوناگون از جمله کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری داشتند. در نتیجه، نمی‌توان بین سطح تحصیلات و انتخاب زبان در بین والدین این دانش‌آموزان رابطه‌ی معناداری یافت.

۵۸٪ والدین به برنامه‌های آذری‌زبان رادیو و تلویزیون بسیار علاقه‌مند هستند و تنها ۲٪ والدین هیچ علاقه‌ای به این برنامه‌ها ندارند. با وجود این، با توجه به نمودار (۲)، ۸۶٪ والدین تمایل دارند که فرزندانشان به زبان فارسی صحبت کنند. علاوه بر این، ۹۲٪ دانش‌آموزان ادعا می‌کنند که غالباً از زبان فارسی استفاده می‌کنند و همین تعداد نیز اظهار کرده‌اند که با زبان فارسی مأنوس‌تر هستند. این آمار نشان می‌دهد که نگرش زبانی<sup>۱</sup> والدین بر تمایلات و رفتار زبانی فرزندان تأثیر بسزایی دارد.



نمودار (۲). درصد گرایش به زبان ترکی و فارسی

دانش‌آموزان برای کاربرد زبان فارسی در حوزه‌ی خانواده یا مدرسه به دلیل‌های گوناگونی اشاره کردند. آن‌ها اظهار نمودند که به زبان فارسی تسلط بیشتری دارند؛ در نتیجه، فارسی را به‌ویژه در حوزه‌ی مدرسه و در زمینه‌های آموزشی بهتر درک می‌کنند. این یکی از دلایلی است که آنان ترجیح می‌دهند حتی با دبیران ترک‌زبان خود به زبان فارسی صحبت کنند. البته بعضی نیز اذعان داشتند که از صحبت با دبیران ترک‌زبان خود به زبان ترکی خجالت می‌کشند. آن‌ها زبان فارسی را ساده‌تر می‌دانند و معتقدند راحت‌تر می‌توانند احساسات خود را به این زبان بیان کنند. بر این اساس، به‌طور میانگین، ۸۸٪ این دانش‌آموزان اظهار کردند که احساسات خود را (هنگام عصبانیت، شادی، درد و ناراحتی، تفکر با خود) به زبان فارسی ابراز می‌کنند.

آن‌ها بر این باورند که وقتی به زبان فارسی صحبت می‌کنند می‌توانند با افراد بیشتری در

زندگی روزمره ارتباط برقرار کنند؛ چراکه فارسی، زبان رسمی و رایج کشور است. نکته‌ای که بیشتر دانش‌آموزان بر آن تأکید داشتند این بود که آن‌ها نمی‌خواستند (حتی خجالت می‌کشیدند) هنگام صحبت به زبان فارسی، لهجه ترکی در گفتارشان پدیدار گردد. درحقیقت، یکی از اصلی‌ترین دلایلی که والدین دانش‌آموزان تمایلی نداشتند که فرزندانشان به زبان ترکی صحبت کنند همین موضوع بود و این خود بیانگر این واقعیت است که زبان فارسی در میان این گروه از جایگاه و شأن<sup>۱</sup> بالاتری برخوردار شده است.

شماری از این والدین اظهار کردند که زبان‌های مهم‌تری مانند زبان انگلیسی برای یادگیری وجود دارد و نیازی نمی‌بینند که حتی در آینده زبان ترکی را به فرزندان خود نیز انتقال دهند. شماری هم بر این باور بودند چون در تهران زندگی می‌کنند و نه در یک شهر ترک‌زبان، به یادگیری زبان ترکی نیازی ندارند؛ بنابراین، ترجیح می‌دهند در همه موقعیت‌ها و شرایط به زبان فارسی صحبت کنند. برخی از دانش‌آموزان گفتند که زبان ترکی را در جمع دوستان ترک‌زبان خود هنگام شوخی یا هنگام استفاده از دشواژه به کار می‌برند. همچنین، آن‌ها در شرایطی که نمی‌خواهند دیگران صحبت‌هایشان را متوجه شوند؛ مانند تقلب در آزمون‌ها - چنانچه دبیرشان به زبان ترکی مسلط نباشد - این زبان را به کار می‌برند.

جدول (۱) نشان‌دهنده پاسخ دانش‌آموزان به چهار پرسش درباره میزان تسلط آن‌ها به مهارت‌های اصلی درک کردن، صحبت کردن، خواندن و نوشتن در زبان ترکی است. همان‌طور که در جدول دیده می‌شود این دانش‌آموزان به زبان ترکی تا اندازه‌ای تسلط دارند؛ البته بیشترین مهارت آن‌ها در درک زبان ترکی است.

جدول (۱). درصد مهارت دانش‌آموزان دختر در زبان ترکی

اصلاً	ضعیف	متوسط	خوب	عالی	
۲	۱۲	۳۴	۲۶	۲۶	صحبت کردن
-	۲	۱۴	۳۴	۵۰	فهمیدن
۸	۲۴	۲۴	۳۰	۱۴	خواندن
۱۴	۲۶	۲۲	۲۰	۱۸	نوشتن

اکنون به تحلیل داده‌ها می‌پردازیم که در دو بخش انجام شده است. در بخش نخست، داده‌های گردآوری شده توصیف می‌شود؛ گفتنی است برای مرتب‌کردن اطلاعات ابتدا از آمار توصیفی

استفاده شده است. بر همین مبنا، داده‌های حاصل از پژوهش در جدول‌های مربوطه نشان داده می‌شوند. بخش دوم تحلیل داده‌ها مبتنی بر آماری استنباطی است. در این پژوهش که از نوع کمی است، تحلیل‌ها به وسیله نرم‌افزار (SPSS) انجام گرفته و باتوجه به ماهیت پرسش‌های پژوهش از آزمون آماری  $t$  تک‌گروهی و  $\chi^2$  دو نیکویی برازش استفاده شده است. اکنون فرضیه‌های پژوهش را بررسی می‌کنیم.

**فرضیه نخست:** دانش‌آموزان دختر ساکن بهارستان که والدین آن‌ها به زبان ترکی مسلطند، خود نیز بر زبان ترکی تسلط دارند.

گفتنی است که در بررسی این فرضیه، با استفاده از آزمون  $t$  تک‌گروهی، مبنای مطلوبیت وضعیت مؤلفه‌ها، بالاتر بودن میانگین تجربی از میانگین نظری و واقع شدن میزان  $t$  به دست‌آمده در سطح معنادار است. شرط معناداری مقدار  $t$  محاسبه شده در آزمون‌های دو دامنه، بزرگ‌تر بودن از مقدار بحرانی  $t$  (۱/۹۶) است. باتوجه به طیف ارائه شده در پرسش‌نامه («اصلاً» با عدد ۱ و «خیلی زیاد» با عدد ۵) مبنای تعیین میانگین نظری ۶۰٪ بیشترین نمره ممکن برای هر گویه در نظر گرفته شده است. باتوجه به اینکه حداکثر نمره فرض شده برای گزینه یک گویه، عدد ۴ است؛ بنابراین، ۶۰ درصد ۴ که همان عدد ۳ است به عنوان میانگین نظری هر گویه در نظر گرفته شده است. برای محاسبه میانگین نظری هر مؤلفه نیز عدد ۳ را در تعداد گویه‌های مؤلفه ضرب کرده، میانگین فرضی مؤلفه را محاسبه می‌کنیم. از این رو، باتوجه به آنچه گفته شد اگر میانگین به دست‌آمده از پاسخ افراد نمونه، در هر مؤلفه بزرگ‌تر از عدد میانگین فرضی باشد و مقدار  $t$  به دست‌آمده نیز در سطح معناداری قرار گرفته باشد، آن مؤلفه مورد بررسی به عنوان یکی از مؤلفه‌های مورد توجه قلمداد می‌گردد و در غیر این صورت، میزان توجه به این مؤلفه در حد پایین ارزیابی می‌شود.

جدول (۲). شاخص‌های آمار توصیفی مؤلفه‌های مورد بررسی در فرضیه اول

خطای استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	متغیر
۰,۱۵۰۸۹	۱,۰۶۶۹۴	۳,۶۲۰۰	۵۰	تا چه اندازه می‌توانید به زبان ترکی صحبت کنید؟
۰,۱۱۲۲۷	۰,۷۹۳۸۵	۴,۳۲۰۰	۵۰	اگر کسی با شما به زبان ترکی صحبت کند تا چه اندازه متوجه می‌شوید؟
۰,۱۶۸۲۸	۱,۱۸۹۹۲	۳,۱۸۰۰	۵۰	تا چه اندازه می‌توانید نوشته‌ای را به زبان ترکی بخوانید؟
۰,۱۸۸۴۲	۱,۳۲۳۳۳	۳,۰۲۰۰	۵۰	تا چه اندازه می‌توانید به زبان ترکی بنویسید؟
۰,۱۴۹۶۶	۱,۰۵۸۲۶	۳,۵۳۵۰	۵۰	کل

بر اساس جدول (۳)، چون  $t$  محاسبه شده در نمره کل مؤلفه‌های مورد بررسی با مقدار  $۳/۵۷۵$  برای آزمون‌های دو دامنه در سطح  $۰/۰۵$ ، معنادار است؛ بنابراین، فرض صفر در این آزمون مبنی بر عدم تفاوت بین میانگین نمونه و میانگین جامعه (نظری) رد می‌شود و با اطمینان  $۹۵\%$  می‌توان گفت که میانگین نمونه با میانگین جامعه تفاوت معناداری دارد. همچنین، از آنجاکه میانگین تجربی بزرگ‌تر از میانگین نظری است؛ در نتیجه، می‌توان چنین استنباط کرد که دانش‌آموزان دختر ساکن بهارستان که والدین آن‌ها به زبان ترکی مسلط هستند، خود نیز بر زبان ترکی تسلط دارند.

جدول (۳). آزمون  $t$  تک‌نمونه‌ای برای مقایسه میانگین نمونه و میانگین جامعه در مؤلفه‌های مورد بررسی در فرضیه اول

میانگین نظری = ۳					
متغیر	$t$	درجه آزادی	سطح معناداری (دو دامنه)	تفاوت از میانگین	فاصله اعتماد $۹۵\%$ از میانگین
					کمینه بیشینه
تا چه اندازه می‌توانید به زبان ترکی صحبت کنید؟	۴,۱۰۹	۴۹	۰,۰۰۰	۰,۶۲۰۰۰	۰,۳۱۶۸ ۰,۹۲۳۲
اگر کسی با شما به زبان ترکی صحبت کند تا چه اندازه متوجه می‌شوید؟	۱۱,۷۵۸	۴۹	۰,۰۰۰	۱,۳۲۰۰۰	۱,۰۹۴۴ ۱,۵۴۵۶
تا چه اندازه می‌توانید نوشته‌ای را به زبان ترکی بخوانید؟	۱,۰۷۰	۴۹	۰,۲۹۰	۰,۱۸۰۰۰	-۰,۱۵۸۲ ۰,۵۱۸۲
تا چه اندازه می‌توانید به زبان ترکی بنویسید؟	۰,۱۰۶	۴۹	۰,۹۱۶	۰,۰۲۰۰۰	-۰,۳۵۸۶ ۰,۳۹۸۶
کل	۳,۵۷۵	۴۹	۰,۰۰۱	۰,۵۳۵۰۰	۰,۲۳۴۲ ۰,۸۳۵۸

فرضیه دوم: زبان غالب در حوزه خانواده در میان این دانش‌آموزان زبان ترکی است.

برای بررسی این فرضیه با توجه به ماهیت اسمی بودن متغیرهای مورد بررسی از آزمون خی دو

نیکویی برازش استفاده شده است که داده‌های آن را می‌توانید در جدول (۴) مشاهده کنید.

جدول (۴). شاخص‌های آزمون خی دو نیکویی برازش در بررسی فرضیه دوم

متغیر	سطوح	فراوانی مشاهده شده	فراوانی مورد انتظار	نتیجه	مقدار $\chi^2$ دو	سطح معناداری
پدر	فارسی	۴۵	۲۵,۰	۲۰,۰	۳۲	۰/۰۰۱
	ترکی	۵	۲۵,۰	-۲۰,۰		
مادر	فارسی	۴۵	۲۵,۰	۲۰,۰	۳۲	۰/۰۰۱
	ترکی	۵	۲۵,۰	-۲۰,۰		

ادامه جدول (۴).

متغیر	سطوح	فراوانی مشاهده شده	فراوانی مورد انتظار	نتیجه	مقدار خی دو	سطح معناداری
برادر یا خواهر بزرگ‌تر	فارسی	۴۸	۲۵,۰	۲۳,۰	۴۲/۳۲	۰/۰۰۱
	ترکی	۲	۲۵,۰	-۲۳,۰		
برادر یا خواهر کوچک‌تر	فارسی	۴۸	۲۵,۰	۲۳,۰	۴۲/۳۲	۰/۰۰۱
	ترکی	۲	۲۵,۰	-۲۳,۰		
پدر بزرگ یا مادر بزرگ	فارسی	۱۲	۲۵,۰	-۱۳,۰	۱۳/۵۲	۰/۰۰۱
	ترکی	۳۸	۲۵,۰	۱۳,۰		
با بزرگ‌ترهای فامیل	فارسی	۴۰	۲۵,۰	۱۵,۰	۱۸	۰/۰۰۱
	ترکی	۱۰	۲۵,۰	-۱۵,۰		
با بچه‌های فامیل	فارسی	۴۷	۲۵,۰	۲۲,۰	۷۲/۳۸	۰/۰۰۱
	ترکی	۳	۲۵,۰	-۲۲,۰		

بر اساس نتایج جدول (۴)، چون مقدار خی دو محاسبه‌شده در مؤلفه‌های مورد بررسی برای آزمون‌های دو دامنه در سطح ۰/۰۵، معنادار است؛ بنابراین، فرض صفر در این آزمون مبنی بر عدم تفاوت بین فراوانی مشاهده‌شده و فراوانی مورد انتظار رد می‌شود و با اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت که بین فراوانی مشاهده‌شده و مورد انتظار تفاوت معناداری وجود دارد. از آنجاکه تجمع فراوانی‌های مشاهده‌شده در گزینه «زبان فارسی» بیشتر است، می‌توان چنین استنباط کرد که زبان غالب در حوزه خانواده در میان این دانش‌آموزان زبان ترکی نیست.

**فرضیه سوم:** زبان غالب در حوزه مدرسه در میان این گروه از دانش‌آموزان زبان فارسی است.

بر اساس نتایج جدول (۵)، چون مقدار خی دو محاسبه‌شده در مؤلفه‌های مورد بررسی برای آزمون‌های دو دامنه در سطح ۰/۰۵، معنادار است؛ بنابراین، فرض صفر در این آزمون مبنی بر عدم تفاوت بین فراوانی مشاهده‌شده و فراوانی مورد انتظار رد می‌شود و با اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت که بین فراوانی مشاهده‌شده و مورد انتظار تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین، از آنجاکه تجمع فراوانی‌های مشاهده‌شده در گزینه زبان فارسی بیشتر است، می‌توان چنین استنباط کرد که زبان غالب در حوزه مدرسه در میان دانش‌آموزانی که به زبان ترکی تسلط دارند، فارسی است.



جدول (۵). شاخص‌های آزمون خی دو نیکویی برازش در بررسی فرضیه سوم

متغیر	سطوح	فراوانی مشاهده	فراوانی مورد انتظار	نتیجه	مقدار خی دو	سطح معناداری
با معلم خود (چنانچه او نیز به زبان ترکی مسلط است)	فارسی	۴۷	۲۵,۰	۲۲,۰	۳۸/۷۲	۰/۰۰۱
	ترکی	۳	۲۵,۰	-۲۲,۰		
با دوست خود در مدرسه (چنانچه او نیز به زبان ترکی مسلط است)	فارسی	۳۹	۲۵,۰	۱۴,۰	۱۵/۶۸	۰/۰۰۱
	ترکی	۱۱	۲۵,۰	-۱۴,۰		
با خدمتگذاران مدرسه (چنانچه او نیز به زبان ترکی مسلط است)	فارسی	۴۷	۲۵,۰	۲۲,۰	۳۸/۷۲	۰/۰۰۱
	ترکی	۳	۲۵,۰	-۲۲,۰		
ترجیح می‌دهید هم‌کلاسی‌های شما به چه زبانی با شما صحبت کنند؟	فارسی	۴۳	۲۵,۰	۱۸,۰	۲۵/۹۲	۰/۰۰۱
	ترکی	۷	۲۵,۰	-۱۸,۰		

#### ۷- بحث و نتیجه‌گیری

بررسی فرضیه‌های این پژوهش نشان داد که دانش‌آموزان دوزبانه دبیرستانی دختر به زبان ترکی تسلط کافی دارند؛ با وجود این، آن‌ها ترجیح می‌دهند در حوزه‌های مختلف، حتی در محیط‌های ترک‌زبان بیشتر از زبان فارسی استفاده کنند. به نظر می‌رسد که زبان ترکی در میان دانش‌آموزان خانواده‌های مهاجر ترک‌زبان موقعیت و جایگاه اجتماعی خود را از دست داده است و با وجود اینکه آن‌ها بر زبان ترکی به اندازه کافی تسلط دارند، زبان غالب در حوزه خانواده و مدرسه، زبان فارسی است.

نکته قابل توجه دیگر این است که دانش‌آموزان مورد مطالعه تمایل ندارند هنگام گفت‌وگو به زبان فارسی، گفتارشان تحت تأثیر نظام آوایی زبان ترکی باشد و در این مواقع، همواره می‌کوشند میزان تزاخم آوایی<sup>۱</sup> زبان ترکی را به حداقل برسانند. در میان این گروه از نوجوانان، داشتن اصطلاحاً «لهجه ترکی» هنگام گفت‌وگو به زبان فارسی سبب پایین آمدن حس اعتماد به نفس<sup>۲</sup> می‌شود و آن‌ها برای گریز از تبعیض‌های ناشی از داشتن لهجه<sup>۳</sup> و به دلیل اهمیت و اعتبار اجتماعی بالای گونه فارسی تهرانی، پیوسته سعی در تقلید از این گونه زبانی معتبر دارند. در همین زمینه، باتوجه به گروه سنی آزمودنی‌ها، نباید فشار گروه دوستان و همسالان<sup>۴</sup> را از نظر دور داشت. در

1. phonological interference
2. self-confidence
3. accent discrimination
4. peer group pressure

بیشتر جوامع انسانی، نوجوانان برای جلب نظر و تأیید همسالان خود، تلاش فراوانی می‌نمایند و این مسئله معمولاً بر تمایلات و انتخاب‌های آن‌ها از جمله انتخاب زبانی<sup>۱</sup> تأثیر بسزایی دارد. در فضای کنونی جامعه ایران، گونه فارسی تهرانی بیش از آنکه شاخصی جغرافیایی<sup>۲</sup> باشد یک شاخص اجتماعی<sup>۳</sup> است و تسلط داشتن یا نداشتن بر این گونه زبانی معتبر، صرف نظر از زبان بومی افراد، ابزاری برای ارزیابی جایگاه و سطح اجتماعی آن‌هاست. به باور مدرسی (۱۳۹۳: ۵۸)، تسلط بومی مانند نسل‌های دوم و سوم مهاجران بر گونه‌های زبانی معتبر<sup>۴</sup>، «امکان پیشرفت اجتماعی و دستیابی به موقعیت و رفاه اقتصادی را فراهم می‌کند»؛ در نتیجه، تحرک اجتماعی<sup>۵</sup> آنان را در عرصه‌های گوناگون زندگی به طرز چشمگیری افزایش می‌دهد. همچنین، می‌توان ادعا نمود که دوزبانگی در میان نسل دوم و سوم مهاجران از نوع دوزبانگی ناپایدار بوده که از ویژگی‌های شهرهای بزرگ مهاجرپذیر است. به این معنی که نسل اول مهاجران عموماً دوزبانه (مثلاً دوزبانه‌های ترکی-فارسی) می‌شوند؛ اما در روندی نسبتاً طولانی نسل‌های دوم و سوم دوباره به سوی یک‌زبانگی پیش می‌روند که طی آن، زبان جامعه غالب (فارسی) به طور کامل جایگزین زبان بومی و مادری مهاجران (ترکی) می‌شود.

جایگزینی یا وانهادن زبان از عمده‌ترین مسائل زبانی در کلان‌شهرهای مهاجرپذیر در سراسر دنیاست و در صورت چاره‌اندیشی نکردن، این روند می‌تواند به زوال تدریجی و مرگ<sup>۶</sup> بسیاری از زبان‌ها منتهی شود. در ضمن، زبان‌هایی که اهمیت و اعتبار اجتماعی پایین‌تری دارند، در موقعیت‌ها و حوزه‌های هرچه کمتر و محدودتری به کار می‌روند و زبان غالب در تمام موقعیت‌ها و حوزه‌ها جایگزین آن‌ها می‌شود. اچیسون<sup>۷</sup> (۲۰۱۳) از این پدیده با عنوان قتل زبانی<sup>۸</sup> یاد می‌کند.

با وجود اینکه زبان ترکی در شهرها و استان‌های ترک‌زبان ایران همچنان از پویایی<sup>۹</sup> نسبتاً بالایی برخوردار است، پویایی آن در منطقه مورد پژوهش کمتر شده و زبان فارسی (با لهجه تهرانی) از

1. language choice
2. geography indicator
3. social indicator
4. prestigious varieties
5. social mobility
6. gradual decay & death
7. J. Aitchison
8. language murder
9. vitality

جایگاه و منزلت اجتماعی<sup>۱</sup> بسیار بالاتری برخوردار شده است. بنابراین، این پژوهش آشکار نمود که موقعیت و جایگاه اجتماعی زبان ترکی در میان این گروه از دانش‌آموزان دختر دوزبانه به‌طور چشمگیری کاهش یافته است. همچنین، با توجه به نقش دختران جوان به‌عنوان مادران آینده، انتخاب زبانی در میان این گروه، امکانات زبانی نسل‌های بعدی را به‌گونه قابل ملاحظه‌ای تعیین و محدود خواهد کرد. به‌دیگرسخن، در هر جامعه زبانی، روند جایگزینی زبان هنگامی کامل می‌شود که والدین (به‌ویژه مادران) گونه‌های زبانی معیار و دارای اعتبار اجتماعی بالاتر (و نه گونه زبانی بومی) را به فرزندان خود انتقال دهند.

همان‌گونه که لباو<sup>۲</sup> (۲۰۰۱) هم بیان نموده است، در هر جامعه زبانی، زنان نقش مهمی در روند تغییر و تحول زبانی<sup>۳</sup> دارند؛ وی این پدیده را تأثیر زنان<sup>۴</sup> نام می‌نهد. به این معنی که در هر جامعه زبانی، رفتار و تمایلات زبانی زنان نشانگر و شاخص مناسبی برای پیش‌بینی تغییرات و سمت‌وسوی آینده هر گونه زبانی است. نکته درخور توجه دیگر این است که نگرش مثبت یا منفی والدین نسبت به یک زبان تأثیر بسزایی در حفظ زبان‌ها<sup>۵</sup> یا زوال آن‌ها دارد. همان‌گونه که در بخش یافته‌ها گفته شد، ۸۶٪ والدین این گروه از دانش‌آموزان تمایل دارند که فرزندانشان به زبان فارسی صحبت کنند و همین نگرش زبانی مثبت<sup>۶</sup> نسبت به زبان فارسی سبب شده است که ۹۲٪ دانش‌آموزان دختر اظهار کنند که با زبان فارسی مانوس‌تر هستند تا با زبان بومی خود یعنی زبان ترکی.

بنابر آنچه گفته شد، گرچه تعمیم یافته‌های این پژوهش به تمام جامعه دوزبانه ساکن در این شهرستان ممکن نیست، در صورت ادامه شرایط به‌شکل کنونی، پیش‌بینی می‌شود که جامعه زبانی ترک‌زبان ساکن در منطقه بهارستان به تدریج به سوی یک‌زبانگی پیش‌رفته و زبان فارسی (با لهجه تهرانی) جایگزین زبان ترکی در میان این گروه از مهاجران شود. سخن آخر اینکه، به‌منظور مقایسه و عمق‌بخشیدن به یافته‌ها و نتیجه‌گیری‌های این پژوهش پیشنهاد می‌گردد که در آینده پژوهش‌های مشابهی با دیگر گروه‌ها از جمله دانش‌آموزان دبیرستانی پسر و سایر طبقات و گروه‌های اجتماعی و

1. status
2. W. Labov
3. language change
4. women effect
5. language maintenance
6. positive language attitude

سنی در این جامعه زبانی صورت پذیرد. همچنین، انجام پژوهش‌های مشابهی روی مهاجرانی مانند مازندرانی‌ها، گیلانی‌ها و کردهای ساکن استان تهران توصیه می‌شود.

### منابع

- ایمانی، محمود (۱۳۸۳). بررسی جایگاه و کاربرد زبان‌های ترکی و فارسی در میان گویشوران شهر قم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور.
- داوری اردکانی، نگار؛ موسی کاظمی، مهدی (۱۳۸۷). زبان نایینی: زوال یا بقا؟ گویش‌شناسی، ۵ (۱)، ۴۲-۵۴.
- ذوالفقاری، سیما (۱۳۷۶). گویش بختیاری بقا یا زوال: بررسی زبانی-اجتماعی در شهر مسجدسلیمان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- رنجبر، کتایون (۱۳۸۴). بررسی وضعیت دوزبانگی در میان دانش‌آموزان دبیرستانی ساکن استان کرمانشاه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- عبدالکریمی، سپیده (۱۳۹۶). درآمدی بر زبان‌شناسی اجتماعی. تهران: آوای خاور.
- غفارثمر، رضا (۱۳۹۸). مبانی جامعه‌شناسی زبان. چاپ دوم. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- فریدونی، جاوید (۱۳۷۷). چندزبانگونگی: تحقیقی در تجزیه و تحلیل حوزه‌ای. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه شیراز.
- مدرسی، یحیی (۱۳۶۸). درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- مدرسی، یحیی (۱۳۹۳). زبان و مهاجرت. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

### References

- Abdolkarimi, S. (2017). *An introduction to Sociolinguistics*. Tehran: Avaye Khavar (In Persian).
- Aitchison, J. (2013). *Language change: Progress or decay*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Bloomfield, L. (1933). *Language*. New York: Holt, Rinehart and Javanovic.
- Browne, K. (1992). *An introduction to Sociology*. Cambridge: Polity Press.
- Crystal, D. (2000). *Language death*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Davari Ardakani, N., & Musa Kazemi, M. (2009). Nayeeni Dialect: Maintenance or death? *Dialectology Quarterly*, 5 (1), 42-55 (In Persian).
- David, M., Naji, I., & Kaur, S. (2003). Language maintenance or language shift among the Punjabi Sikh community in Malaysia? *International Journal of the Sociology of Language*, 2003 (161), pp. 1-24. Retrieved 24 Mar. 2019, from doi:10.1515/ijls.2003.026
- Fasold, R. (1984). *The Sociolinguistics of society*. Oxford: Blackwell.
- Fereiduni, J. (1998). *A sociolinguistic study on multilingualism: A domain analysis*

- perspective*. M.A. Thesis in Linguistics, Shiraz University (In Persian).
- Fishman, J.A. (1964). Language maintenance and language shift as a field of inquiry. A definition of the field and suggestions for its further development. *Linguistics*, 2 (9), pp. 32-70.
- Fishman, J.A., Cooper, R.L., & Newman, R.M. (1971). *Bilingualism in the barrio*. Bloomington: Indiana University.
- Gal, S. (1978). Peasant men can't get wives: Language change and sex roles in a bilingual community. *Language in Society*, 7 (1), 1-16.
- Ghafar Samar, R. (2019). *Sociolinguistics: An introduction*. *Research in Western Iranian Languages and Dialects*, 10 (1), 117-131 (In Persian).
- Igboanus, H., & Peter, L. (2004). Oppressing the oppressed: The threats of Hausa and English to Nigeria's minority languages. *International Journal of the Sociology of Language*, (170), 131-140.
- Imani, M. (2004). Study on the status and application of Turkish and Persian languages among speakers in Qom. M.A. Thesis in Linguistics, Allameh Tabataba'i University (In Persian).
- Labov, W. (2001). *Principles of linguistic change, vol. 2: Social factors*. Oxford: Blackwell.
- Mangalam, J. (1968). *Human migration*. Lexington: University of Kentucky Press.
- Modarresi, Y. (1989). *An introduction to Sociolinguistics*. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies (In Persian).
- Modarresi, Y. (2001). The Iranian community in the United States and the maintenance of Persian. *International Journal of the Sociology of Language*, (148), 93-115. DOI: <https://doi.org/10.1515/ijsl.2001.017>
- Modarresi, Y. (2015). *Language and migration*. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies (In Persian).
- Moeini Meybodi, M. (2014). *Ethnic language maintenance: A case study of second-generation Iranian Americans in the Northeastern States*. M.A. Thesis in linguistics, City University of New York Academic Works.
- Namei, Sh. (2008). Language choice among Iranians in Sweden. *Journal of Multilingual and Multicultural Development*, 29 (5), 419-437.
- Pauwels, A. (2016). *Language maintenance and shift*. Cambridge University Press.
- Ranjbar, K. (2005). *The study of bilingualism among high school students living in Kermanshah province*. M.A. Thesis in Linguistics, Allameh Tabataba'i University (In Persian).
- Romaine, S. (1989). *Bilingualism*. Oxford: Blackwell.
- Taylor, I. (1976). *Introduction to Psycholinguistics*. New York: Holt, Rinehart and Winston.
- Wardhaugh, R. (2006). *An Introduction to Sociolinguistics (5th ed.)*. New York: Blackwell Publishing.
- Weinreich, U. (1953). *Languages in contact*. The Hague: Mouton.
- Zolfaghari, S. (1997). *Bakhtiari dialect, decline or survival: Linguistic-social survey in the city of Masjid Suleiman*. M.A. Thesis in Linguistics, Allameh Tabataba'i University (In Persian).